

سه‌شنبه ۲۶ تیر ۱۳۹۷، ۳ذی‌القعدة ۱۴۳۹، ۱۷ جولای ۲۰۱۸، سال شانزدهم، شماره ۴۱۳۶

حرکات مؤزون	نشت‌روز
نفت مفت	این‌همه‌سختی‌و آخر‌خام‌؟
	نفت‌و امفروش دیگر خام‌خام
	بر اساس حجم تولیدات نفت
	بشکه‌بشکه‌می‌فروشی نفتِ مُفَت
	نفت‌رادی‌ری اگر نفتش دهی
	می‌خورندش مثل جیگر خام‌خام



مهدی استاداحمد

جهان خارج از مرزها

محمود فاضلی

انتقال جسد دیکتاتور

همه‌چیز برای انتقال جسد ژنرال «فرانسیسکو فرانکو» دیکتاتور سابق اسپانیا از محل دفن فعلی در «دره شهدا» در ۵۰ کیلومتری شمال مادرید که بعضی‌ها آن را «دره سقوط – Valle de los Caídos») می‌خوانند، آماده شده‌است. این دره یک بنای یادبود و جاذبه توریستی است که یاد تمام قربانیان دو طرف جنگ داخلی در سال‌های ۱۹۳۶ و ۱۹۳۹ را گرامی می‌دارد.

ژنرال فرانکو، دیکتاتوری بود که بعد از پایان جنگ‌های داخلی اسپانیا در این کشور در سال ۱۹۳۹ به قدرت رسید و تا زمان مرگش در سال ۱۹۷۵ بر اسپانیا حکومت کرد. پارلمان اسپانیا در سال گذشته طرح انتقال جنازه او و ده‌ها هزار فرد دیگر دفن شده در مقبره دره سقوط را تصویب کرد. این اقدام حتی از سوی «پدرو سانچز» نخست‌وزیر جدید اسپانیا نیز مورد تأکید قرار گرفت. به گفته او وقت انتقال جسد فرانکو از «دره شهدا» که محل دفن بسیاری از قربانیان دیکتاتوری خودفرانکو است فرارسیده و این مهم با هماهنگی کنگره نمایندگان اسپانیا انجام خواهد شد. حزب سوسیالیست می‌خواهد پیش نویس قانون موسوم به «حفاظه تاریخی» از اصلاح کند تا بتواند قربانیان هر دو طرف جنگ داخلی اسپانیا را به رسمیت بشناسد، بقایای جسد فرانکو را برای جلوگیری از تبدیل دره سقوط به مکان مقدسی برای فاشیست‌ها، از آنجا انتقال دهد و نهادها و انجمن‌های برگزارکننده برنامه‌های یادبود وی را نیز منحل کند.

دولت اسپانیا در حال برنامه‌ریزی برای تبدیل مقبره مذکور است که دیکتاتور پیشین این کشور آن را در سال ۱۹۵۹ افتتاح کرد تا به «مکانی برای اذعان و یادآوری همه اسپانیایی‌ها» تبدیل کند. حزب محافظه‌کار اسپانیا در دوران زمامداری خود با انتقال جنازه ژنرال فرانکو مخالفت کرده و مدعی شد که این اقدام پس از گذشت بیش از چهار دهه از مرگ او می‌تواند خطرات درناکی را یادآوری کند.

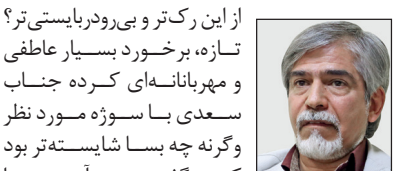
کابینه جدید دولت اسپانیا از حزب سوسیالیست انتظار دارد پارلمان این کشور برای این امر، دولت را یاری دهد. این حزب تلاش دارد پیش‌نویس قانونی که به نام حافظه تاریخی شناخته می‌شود را اصلاح کند تا بتواند قربانیان هر دو طرف جنگ داخلی اسپانیا را به رسمیت بشناسد. قانون تغییر نام خیابان‌ها اماکن عمومی مرتبط با دوره فرانکو در سال ۲۰۱۵ به تصویب رسید اما در پی مخالفت «بنیاد فرانکو» که خواستار زنده نگه داشتن میراث این دیکتاتور بود، قضیه به دادگاه عالی مادرید ار جاع داده شد و این دادگاه نیز با رد تقاضای تجدیدنظر این بنیاد، رای به تغییر نام خیابان‌ها اماکن عمومی داد. بر اساس آمارهای غیر رسمی، هزاران نظامی و غیرنظامی در جنگ داخلی اسپانیا از هر دو جبهه ملی‌گرایان و جمهوریخواهان کشته شدند و پس از آن نیز ده‌ها هزار نفر از مخالفان حکومت فرانکو در راستای یک پروژه پاکسازی سیاسی، کشته یا زندانی شدند. رژیم فرانکو کم‌ترکب مجموعه‌ای از نقض حقوق بشر علیه ملت اسپانیا شد که از آن با نام «وحشت سفید» یاد می‌کنند. پس از چهار دهه خفقان و سرکوب، اسپانیا وارد مرحله گذار به دموکراسی شد. سه سال پس از مرگ فرانکو، قانون اساسی جدیدی به همه پرس‌ی گذاشته شد که با رای تقریباً ۹۲ درصدی نظام حکومتی اسپانیا به مشروطه‌سلطنتی تغییر کرد.

هشتگ روز

اولین روز بعد از جام جهانی

پرونده جام جهانی ۲۰۱۸ بسته شد و اهالی توپ‌تر فارسی به همین مناسبت، هشتگ «جام- جهانی» را داغ کردند. یکشنبه شب و بعد از برد تیم ملی فوتبال فرانسه تا عصر روز دوشنبه، بحث‌ها درباره جام جهانی روسیه ادامه داشت و توپ‌ترها درباره این جام، زیاد بحث کردند. آنچه می‌خوانید مجموعه‌ای از این نوشته‌هاست که در هشتگ «جام-جهانی» دیده‌شد:

«جام جهانی با همه خوب و بدش تمام شد، امیدوارم مزه پرونی درباره اسپانیایی حرف‌زدن سعید عزت‌اللهی هم تمام شه»، «پوتین با گرفتن چتر بالا سرش در برابر چشم جهانیان خود واقعیش رو نشون داد؛ خودخواه»، «هوشنگ گلمکانی نوشت: حسرت بزرگ من داشتن یک زندگی طبیعی است. همان‌طور که اغلب مردم دنیا زندگی می‌کنند ما در گیر حاشیه‌های بیپرده، سخیف و نازل، عمر تلف می‌کنیم و روح و روان ما فرسوده می‌شود»، «هبابه تو ۱۹ سالگی جام جهانی گرفت، من در آغاز میناسلی نشستم تو خونه و منتظر آپدیت تازه فیفا»، «انتقد که رییس جمهور کراسوی تو این جام معروف شد، باز یکنکاش نشدن»، «یه پسر ۱۷ ساله تو خندونه استندآپ کمدی اجرا می‌کنه و همزمان یه پسر ۱۹ ساله تو فینال جام جهانی فیکس بازی می‌کنه. منم سعی می‌کنم در حالی که رو میل نشستم و تماشا نشون می‌کنم با دوتا انگشت با کاسه تخمه رو از روی میز بردارم»، «بعد از قهرمانی فرانسه تو جام جهانی مردمشون طی یک مراسم پایکوبی متمدنانه ۸۴۵ ماشین رو آتیش زدن و مغازه‌ها رو



احمد پورنجانی

که حساب سرانگشتی یک نوجوان کم تجربه هم این را به صرافت درمی‌یابد که هر کس باید در حد و قواره موجودی‌اش دست به جیب باشد و نه بیش از آن. واقعیت این است که بخش مهمی از آشننگی وضعیت اقتصادی کشور، ریشه در همین ناترازی در دخل و خرج و برخی گشادبازی‌های قمیزمانانه در هزینه کردن‌های گوناگون دستگاه‌ها و نهادهای پرشمار و موازی کار و هر روز فربه‌تر از پیش شونده کشوری و لشکری و ساقدوش‌های پیرامون آنان دارد. سال‌هاست که سخن از ضرورت رژیم لاغری کالبد چاق و بد قواره دولت (بخوانید: مجموعه دستگاه‌های حاکمیتی) در میان است اما صد گرم کاهش وزن، پیشکش، گنده‌تر هم شده‌اند! چه

رادیوملی ایران

گالری «سلام» نمایشگاه «رادیو ملی ایران» را با تقدیر از امین‌الله رشیدی برگزار می‌کند. محسن شهرنازدار، گردآورنده این نمایشگاه است و بیش از ۵۵ رادیو قدیمی متعلق به هنرمندان صاحبنام کشور، ۱۵۰ مجله و نشریه دوران پهلوی مربوط به رادیو، بیش از ۴۰۰ صفحه گرامافون، حدود ۲۰۰ تصویر و

نشت‌روز	Info@etemadnewspaper.ir
رادیوملی ایران	سند دیده نشده و محرمانه از رادیو در دوره پهلوی، در این نمایشگاه به نمایش گذاشته می‌شوند. همچنین قرار است مهم‌ترین برنامه‌های رادیو ملی از سال ۱۳۱۹ تا ۱۳۵۹ پخش شود. این نمایشگاه روز جمعه و در ساعت سه بعدازظهر با تقدیر از امین‌الله رشیدی در گالری سلام، افتتاح می‌شود.

تیتیر مصور | فرانسه جام فوتبال را برد، کراسوی جام قلب‌ها را

اوزون



بر احوال آن مرد باید گریست، که دخلش بود نوزده، خرج چیست!

هزینه‌های گراف ریالی و ارزی، داخلی و خارجی که با عنوان‌های دهان‌پرکن اما بی‌حاصل یا فاقد اولویت که بر خزانه کشور تحمیل شده و می‌شود، آن هم در کشوری که بخش عمده اقتصاد همچنان در چنبره دولت (به مفهوم نهادهای وابسته به کل حاکمیت) است. پس خیلی طبیعی و بدیهی است اگر در فرآیند زندگی و کسب و کار مردم هر تب و تاب‌ری رخ دهد، همه نگاه‌ها به سوی همان کانون‌های عمده اقتصاد کشور باشد.

سیاست‌گذاری را آنجا می‌کنند، تغییر سیاست‌ها و قواره موجودی‌اش دست به جیب باشد و نه بیش از آن. واقعیت این است که بخش مهمی از آشننگی وضعیت اقتصادی کشور، ریشه در همین ناترازی در دخل و خرج و برخی گشادبازی‌های قمیزمانانه در هزینه کردن‌های گوناگون دستگاه‌ها و نهادهای پرشمار و موازی کار و هر روز فربه‌تر از پیش شونده کشوری و لشکری و ساقدوش‌های پیرامون آنان دارد. سال‌هاست که سخن از ضرورت رژیم لاغری کالبد چاق و بد قواره دولت (بخوانید: مجموعه دستگاه‌های حاکمیتی) در میان است اما صد گرم کاهش وزن، پیشکش، گنده‌تر هم شده‌اند! چه

عکس‌نوشت

و درد می‌گویم که بازدهی ناچیز و بهره‌وری پایین و مناسبات الوده به فساد و خدایگانی حضرت رانت، چیزهای پس و پنهانی در اقتصاد ما نیستند که یادآوری‌شان شگفتی کسی را برانگیزد. اما چیزی که تاکنون شاهد بوده‌ایم و داغ هر ایرانی را تازه می‌کند، ادامه گشاد بازی در هزینه‌ها یا بی‌تدبیری و بی‌خیالی در اولویت‌هاست. انتظار

پس سخن درباره یک امر بسیار ساده و بدیهی و همه فهم است: توازن دخل و خرج در بخش‌های گوناگون ساختار حکومت! این حجم عظیم به‌هکارت همه ارکان و اجزای ساختار اداره کشور و یکدیگر از کجا آمده؟ دولت به بانک‌ها، بانک‌ها به بانک مرکزی، بیمه‌ها به مراکز خدماتی، دولت به صندوق‌های رفاه و بازنشستگی، کارفرمایان به بخش عمومی (دولتی و شبه دولتی و شهرداری‌ها) و پیمانکاران کوچک‌تر بخش خصوصی و از همه رقت‌بارتر و تاسف‌انگیزتر، معوقات حقوق و دستمزد کارگران و کارمندان در بخش‌های گوناگون! با درغ



علیرضا بیرانوند، یکشنبه شب به برج میلاد رفت تا فینال جام جهانی روسیه را با کودکان کار کوره‌های آجرپزی تماشا کند. دروازه‌بان تیم ملی ایران که روزگاری شبیه این کودکان زندگی سختی داشته، همراه ایا بچه‌ها شد تا در یک مراسم سرگرم کننده و جذاب، فینال جام جهانی را ببینند و با بیرانوند سلفی‌های یادگاری بگیرند. خبرگزاری مهر مجموعه عکسی از این مراسم منتشر کرد و عکسی که می‌بینید از این مجموعه انتخاب شده‌است.

اعتقاد

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول:** **الیاس حضرتی**
- جانشین مدیرمسئول و رئیس شورای سیاست‌گذاری:** **بهروز بهزادی**
- سردبیر:** **سیدعلی میرفتاح**
- معاون اجرایی:** **حجت طهماسبی**
- مشاور مدیرمسئول:** **محمد حضرتی**
- رئیس سازمان آگهی‌ها:** **علی حضرتی**
- نشانی:** **خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، پن بست مینو**
- تلفن فاکس:** **۰۲۵-۶۶۱۲۴۰۶۶** - **۰۲۴-۶۶۱۲۴۰۶۶** ■ **نمابر:** **۰۲۱-۶۶۱۲۴۰۶۶**
- توزیع:** **نشر گستر امروز** ■ **تلفن:** **۰۲۳-۶۱۹۳۳۰۰۰**
- چاپ:** **نشر روز تاب** ■ **تلفن:** **۰۲۵-۴۴۵۴۵۰۷۶**

■ اذان ظهر: ۱۳/۱۰ ■ غروب آفتاب: ۲۰/۱۰ ■ اذان مغرب: ۲۰/۴۰ ■ اذان صبح فردا: ۲/۲۰ ■ طلوع آفتاب فردا: ۶/۲۰

متن در حاشیه

کاوه فولادی‌نسب

صدای خون در آواز تذرواست



جمعه عصر رفتم دیدن جمال میرصادقی. دیدنش همیشه برایم طراوت روح است. حالا دیگر چند سالی می‌شود که پیرتر شدن جسمش زیادی به چشم می‌آید اما هنوز با دلی جوان و روحی پویا و روحیه‌ای خستگی‌ناپذیر کار می‌کند. بسا وجود همه نامرادی‌ها و موانع، نه تنها به کنج عافیت نخزیده و خودش را باز نشسته نکرده، نه تنها به برج عاج نرفته و جلای وطن نکرده، که هنوز هم روز روز با نظمی دقیق و مثال‌زدنی و- برای جوان تره‌ایی مثل من- آموزنده، کارش را می‌کند؛ کاری که چیزی جز خدمت به فرهنگ و ادبیات نیست؛ چه نوشتن داستانی باشد، چه انجام پژوهشی و چه تربیت شاگردی. او حالا در میانه‌های هشتادوپنج‌سالگی است و هر بار که می‌بینمش بیشتر با خودم فکر می‌کنم که ما چقدر قدر او و امثال او را دانسته‌ایم و چقدر سعی کرده‌ایم دینی را که به گردن ما و فرهنگ و هنر این سرزمین دارند، ادا کنیم. دروغ چرا- هر بار بیشتر از پیش از خودم شرمنده می‌شوم. پیرمرد، که دستی به کمر و دست به زانو، به‌سختی، نشست رویبرویم روی میل، منتظر بود بگویم چه خبر، که سفره دلش را باز کند؛ از ناشری بگوید که به بهانه اوضاع بد اقتصادی و شرایط کم‌پویش و شرکسته‌شاه، گفته «عوض طلب سنگینی که از من داری، بی‌ساز کتاب‌هایت بردار» و خجالت هم نکشید. از ناشر دیگری بگوید که گفته «کتابتون را فرستادم ارشاد، حضرت استاد» و بعد گندش در آمده دروغ گفته یا- در بهترین حالت- بی‌نظم بوده و کتاب از رشمند کسی مثل جمال میرصادقی یک سال توی کشوی میزش خاک خورده- حرف خاک خوردن توی کشو که شد، داغ دل پیرمرد هم تازه شد و از «ده» کشایش گفت که دارند توی کشورهای ارشاد خاک می‌خورند و این تازه غیر از کتاب‌هایش است که مهر «غیرقابل چاپ» خورده‌اند یا آنقدر اصلاحیه پنهان داده‌اند که خودش در جیب داده فعلا توی کشو نگه‌شان دارد؛ تا شاید وقتی دیگر، نمی‌دانم، خیلی از آنهایی که در قبال بزرگانی مثل میرصادقی دست‌شان به راحتی روی عبارت «غیر قابل چاپ» می‌رود یا دست‌سوز خذف این کلمه و آن پاراگراف و این فصل و آن داستان را می‌دهند، انگار حواس‌شان نیست که خیلی قبل‌تر از آنکه حتی تطفه آنها شکل گرفته باشد، میرصادقی و میرصادقی‌ها خادمان تمدن و فرهنگ و هنر و ادبیات این مملکت بوده‌اند. خوب است وزیر محترم و رئیس اداره کتاب، فکری به حال این موضوع بکنند؛ تکريم بزرگان صرفا به دادن کارت کرامت نیست، گوش کسی دیگر بدهکار این نمایش هانیست- راه‌تکريم بزرگانی مثل میرصادقی مشخص است.

 اعتقاد www.etemadnewspaper.ir info@etemadnewspaper.ir	
 اعتقاد www.etemadnewspaper.ir info@etemadnewspaper.ir	
 اعتقاد www.etemadnewspaper.ir info@etemadnewspaper.ir	
 اعتقاد www.etemadnewspaper.ir info@etemadnewspaper.ir	
 اعتقاد www.etemadnewspaper.ir info@etemadnewspaper.ir	
 اعتقاد www.etemadnewspaper.ir info@etemadnewspaper.ir	

کرگدن نامه

سیدعلی میرفتاح

آینه ناکارآمدی

رقبای دولت اصرار دارند به هر زور و ضربی هست ثابت کنند که دولت نمی‌تواند، زورش نمی‌رسد، از درون دچار تشتت و اشکال است و عبور از بحران با مدیران بی‌بی‌حال و خسته و غیرقابل‌و دردناکش ناممکن است. آنها حتی دنبال خبرها و تکنه‌هایی می‌گردند تا به واسطه‌شان حرف خود را بر کرسی بنشانند که مقامات عالیه کشور هم اطمینانی به دولت فعلی ندارند و دل‌شان نمی‌آید را کارها را تمام و کمال به کابینه دوازدهم واگذارند. اگر شما هم مثل من هر روز روزنامه‌های منتقد دولت را بخوانید منظورم را بهتر متلف می‌شوید. آنها بی‌بی‌اعتنا به شرایط بین‌المللی هر روز برای کابینه شمشیر از رو می‌بندند و نقطه‌ضعف‌هایش را در بسوق و منتقدان می‌کنند. تلویزیون هم تا خود بسیاری با منتقدان هم‌موضع است و تصویری که از دولت به مردم نشان می‌دهد تصویر دولتی نه چندان کارآمد است. البته هیچ کدام از این روزنامه‌ها تیزر بالایی ندارند، مردم هم آنها را نمی‌خوانند. تلویزیون هم در سالیان اخیر عمده مشتری‌های خود را از دست داده‌است. اما این حرف بدان معنا نیست که تخریب دولت تأثیری در ذهن مردم نمی‌گذارد. خوش‌تر آن باشد که سر دلبران گفته‌اید در حدیث دیگران، گاهی این نقدها و بیان ناکارآمدی‌ها در رسانه‌ها و کانال‌هایی بازتاب پیدا می‌کند که منتقدان داخلی به گردش‌شان هم نمی‌رسند. مردم رسانه‌های منتقد را نمی‌خوانند اما در عوض پیست‌های تلگرامی‌ای را می‌خوانند و عکس‌ها و خبرهایی را برای می‌سند و ریسیمو می‌کنند که صدتای داخلی‌ها نفوذ کلام دارند. آنها راست و دروغ را پشت هم ردیف می‌کنند و بیست و چهار ساعته بر سر مردم‌شان می‌ریزند. مردم، تلویزیون خودمان را کمتر می‌بینند اما در عوض تلویزیون‌هایی می‌بینند که به قول شاعر «هی غلام است آن را». چهارپای می‌بینند و می‌شوند که نقدهای تلویزیون در برابرش حمایت همه‌جانبه است. آنها دنبال یک چیز بیشتر نیستند و یک حرف را بیشتر نمی‌خواهند در ذهن و ضمیر مخاطب بنشانند: «آقا کارامدی». کافی است یک هفته، حتی بیست و چهار ساعت پای شبکه‌های ماهواره‌ای بنشینید، همچنین اطلاعات و اخبار خود را از کانال‌های تلگرامی دریافت کنید تا خواسته و ناخواسته ناکارآمدی نظام در ذهن‌تان تبدیل به یک امر محرز شود. بعضی‌ها فکر می‌کنند خیلی سفت و سختند و به راحتی تحت تأثیر رسانه‌ها قرار نمی‌گیرند. هیچ‌کس خودش را عامی نمی‌پندارد و غالباً فکر می‌کنند در زمره خواصند و بر آنها لازم است قرار بگیرند، حتی پای صحبت معاندان بنشینند. من نمی‌گویم بنشینند. امروز نمی‌توان کسی را منع کرد هین که مبین، هان که میرس. اما واقعیت این است که روز رسانه‌های مورد نظر زیاد است و مردم هم خواسته و نخواست‌ه تحت تأثیرشان قرار می‌گیرند و مشتری ثابت‌شان می‌شوند. حتی بزرگان و پایه‌سن گذاشته‌ها و مسئولان هم اگر زیاد پای ماهواره بنشینند و بیش از حد با گوشی موبایل‌شان و برورند خیلی زود متاثر می‌شوند و «آقا کارامدی» را به عنوان یک امر بدیهی می‌پذیرند. کافی است به عنوان رنگار یا گرازشگر به سراغ کوچک و بزرگ مردم بروید، حتی بیرون از قواعد رسمی، مسئولان ریز و درشت مملکت را ملاقات کنید تا حساب کار دست‌تان بیاید که نفوذ پیام رسانه‌های مورد نظر تا کجاست. کافی است شما بپذیرید و در درون‌تان بنشیند که مسئولان نمی‌توانند فرض مشکل آب را حل کنند یا جلوی خشک شدن دریاچه ارومیه را بگیرند یا زورشان به دلار و طلا نمی‌رسد. خوب، طبیعی است که پشتپند این تلقی دست و دل‌تان به کار نرود و راه‌حل‌ها به عقل‌تان نرسد، راه‌حل مسوولان راه جدی نگیرید. هر کس سراغ سناریوی ناکارآمدی رفته بی‌شک باهوش بوده و از قدرت تلقین آگاهی داشته. از من بپرسید البته می‌گویم اسراییلی‌ها این سناریو را دنبال کرده‌اند. خاطرتان باشد چند وقت پیش هم یکی از سخنرانی‌های نتانیاهو منتشر شد که به امریکایی‌ها می‌گفت ایران و عراق متفاوتند و همان کاری که امریکا با عراق کرد نمی‌تواند با ایران بکنسد. هر ابلیسی به نتانیاهو مشاوره داده بود، معلوم بود که حسابی کار کرده و روانشناسی مردم را واقف بوده و ساختار قدرت را نیز می‌شناخته. او گفت باید مردم را به مسئولان کشور بی‌اعتماد کنیم و عموم مردم را به اینچایرسانیم که فکر کنند بیش از مسوولان‌شان می‌فهمند. مردم ما کلا کمی ناقصمنی این‌طوری هستند. کافی است دوتا روزنامه ورزشی بخواند و چهار تاسم فوتبال‌بست یاد بگیرند، خیلی سریع و صریح کوروش را به دانانی و بی‌برنامگی متهم می‌کنند و شوخی و جدی‌ی از او رو برمی‌گردانند. مسوولان سیاسی هم همین است. بحث عام و خاص نیست، کافی است در جمع خانوادگی یا داخل تاسکی بحثی از مدیریت و توانایی مدیران به میان آورید تا همه افراد خود را چند سر و گردن بالاتر از مدیران ببینند و در صراحتا داد بزنند که حیف این مملکت که دست‌اینه‌است…

این مملکت را یک هفته دست‌م بدهید تا گل و بلبل تحول‌یاب تان دهم… این حرف‌ها وزنی ندارند اما اگر روزی هزار بار تکرار شوند و کارشناسان چپ و راست هم بر آنها صحه بگذارند آن وقت مسأله‌تها از پس حل و فصل مشکلات‌مان بر نمی‌آیم بیه شبیه دیوانه‌ها به آینه ناکارآمدی خیره می‌شویم…